

چند نکته بی نقطه

فرید سیاوش

بحث داغی در فضای مجازی زبانه میکشد که پشت ترور ها و حوادث خونین اخیر کی یا کیها قرار دارد؟ ولی پرسش کلان من اینست که فرض کنیم که شناختیم پیش رو و پشت سر ترور ها و حوادث خونین این یا آن دولت این سازمان استخباراتی یا آندیگر، این فرد یا آن فرد مشخص است. سن و سال و آدرس و شماره تلفن و نشانی نامه برقی و شماره تفنگ، دستور دهنده و اجرا کننده آنرا هم مشخص کردیم. باز چه؟!



ما کی هستیم و در کجا بازی جاری جهان در افغانستان قرار داریم؟ قوت، توان و امکانات ما چیست؟ در کجاست؟ ما چه کرده میتوانیم؟ آیا ما امکان و توان باز خواست داریم؟

از هر سو که به این پرسش بنگریم، از بالا یا پایین از شرق یا غرب از چپ یا راست، از باور یا ناباوری سر پاسخ ما به یک سنگ میخورد؛ سنگی که ما در وضعیت موجود کم ترکاری کرده میتوانیم. چرا؟

بخاطر افتراق، انشقاق، انشعاب، پراکندگی، درماندگی، بیچارگی و بیشمگی. بخاطر کشمکش های سیاسی، سمتی، زبانی، قومی، قبیله‌ای، مذهبی و.... ما در بازی جاری و جریان آن حضور آشکار و غیبت پنهان نداریم. نفس های ما نفس های یک تن واحد نیست، صاف صفا پاشان، مقفود و لادرکیم.

در کشور ما که ارباب الانواع بحران و جنگ بر اورنگ قدرت غوزه گول خشخاش می چینند و گرد آنرا غربال میکند؛ مالکیت حرف اول و آخر از آن ایشان و دم و دستگاه های شان است.

تا از دخمه تاریک بیرون نشویم در بیرون چیزی را تغییر داده نمیتوانیم. ما از شکست ها هیچ نیاموختیم که چگونه از دخمه به شهر خورشید نقب بزنیم یا سرک بکشیم یا پرواز کنیم. وای بر ما که در میان تاریکی وحشتناک در جستجوی عدالت، داد خواهی و آرامشیم.

ما؛ با کمین گفتار در کنار گرداب و مستی مسلحانه دوره گرد های باروت فروش و تفنگ بدوش در کنار ضلع هشتم گور های بی نشان خویش، چشم پُتکان داریم.

ما بر جاده های گل پوش تاریخ ایستاده نیستیم. توطئه تلخ تاریخ در فورم یک سقوط دیگر تکرار میشود؛ خدمتگزاران وطن به اشکال مختلف تا سرحد ترور از سر راه برداشته میشوند. روز سیاه دیگری در تاریخ ما رقم زده می شود.

تا دیالکتیک وار صدا ها را از فلتر مبارزه مشترک عبور ندهیم و گامها را همگامی نیاموزیم. به صلح و خوشبختی نخواهیم رسید.

